

فضای صفر و یک

علی صابری

sharemjazi@gmail.com

چکیده :

وسعت یا فضای زندگی ما دامنه ای بین صفر و یک فرض می شود که با نزدیکتر شدن به یک ، شکل زندگی حالت استاندارد و ایده آل خود را به دست می آورد . داده هایی که برای داشتن زندگی درست و تبدیل شدن به فرد انسانی ایده آل این محدوده صفر و یک به آن نیاز داریم در همین فضای زنده و هوشمند وجود دارد . ما و آنچه هست مقادیری تعریف شده در این فضای صفر و یک هستیم . موضع و حالت ما باید به گونه ای باشد که بتواند این اطلاعات فضای صفر و یک را دریافت کنیم . فرد انسانی موجود در این فضا باید خود را پویا و احیا نماید ، خود را شبیه یا عین انسان تعریف شده این فضا و سیستم کند و از این همسویی و هماهنگی بین فضا و خود ، فضای استاندارد زندگی شکل بگیرد فضای یا محیط یا جامعه ای که هر کنش و واکنش یا هر نوع از شکل بودنی در آن هوشمندانه و بر اساس منطق و شعور این فضای حاکم صفر و یک باشد یا به عبارتی هر اتفاق یا رویداد یا پیامدی در این محدوده زندگی قابل تفسیر یا قابل فهم باشد و آن را بتوان محصول عملکرد خود انسانی این مجموعه و فضای صفر و یک دانست . فضای هوشمند پر از داده های حیاتی با داشتن ساختار یک خود ایده آل که فرد انسانی را به تکاپو و تکامل وادار می کند . و نهایت خودی می سازد فعال و خود ساخته و شکل گرفته که می تواند رفتار درست سیستم یا فضا را به درستی انجام دهد . و باعث ایجاد محیط یا جامعه یا فضای ایده آل در تمام ابعاد آن می شود .

واژگان کلیدی :

فضای صفر و یک ، صفر و یک ، زندگی ایده آل ، مهارت زندگی

مقدمه :

تمام هستی ما در دامنه ای در جریان است هر عمل و عکس العمل . هدف ساخت خودی است که بتواند صد در صد خود را بروز دهد رفتاری شکل گرفته داشته باشد و مستقل . تکامل و شکوفایی رفتاری خود را از فضای هوشمند بگیرد و رفتار سایر اعضا او را از انجام بودن خود دور نکند .

من محدوده یا دامنه بین صفر و یک را زندگی یا ذهن هستی می نامم و هر عملکرد ما و در کل هر گونه فعالیت بودن یا جریان زندگی در این محدوده جاری دارد یعنی به آن عملکرد ، ذهن می دهد یا هویت و شکل .

پس تمام بودن در این حصار است روند عملکرد ما را ذهن هستی کامل می کند ما در این دامنه تمام ابعاد زندگی را جریان می اندازیم . با کشف یا درک ماهیت این محدوده یا این فضای هستی می توان فهمید که یک شعور جاری کل هستی را حیات می دهد و به هر طریقی که عمل کنیم چیزی فراتر از این فضا نیست . زندگی در این دامنه صد در صد کامل جاری می شود . و تمام اتفاقات زندگی را شامل می شود.

قبل از بررسی این فضای تعریف شده ، سیستم فردی یا خود یا آنچه که من یا عمل کننده نامیده میشود را بررسی می کنیم . و رابطه بین این خود و فضای تعریف شده که همان دامنه یا محدوده صفر و یک نامیده ایم .

قبل از پی بردن یا تعریف درست هویت خود در این محدوده صفر و یک، این نکته لازم است که درک کردن درست از رشد کردن یا تفکر است . یعنی فهمیدن چیزی برتر از تشنگی فکری یا بازی تحلیلی ذهن است عینیت ناب ، فهم واقعیت بودن یا واقعیت خود یا درک ماهیت هر موجودی است . ما نیازی به داده های اضافی نداریم به عنوان ناظر با شعور و آگاه وقتی به فهم هستی رسیدیم به واقعیت درک هستی ، تصاویر یا آنچه می بینیم نمی تواند چیزی غالب یا فراتر از واقعیت وجود داشتن یا تعریف هستی باشد . یا ما را از فهم سیستم اصلی دور کند. گذر زندگی عبور از حقیقت به واقعیت است حالا با داشتن واقعیت به جای تحلیل زندگی یا دیدن زندگی ، به گفتن و تماشای زندگی می پردازیم .

از این دیدگاه ما با داشتن آگاهی معنای درست بودن را تعریف می کنیم یا به آن استدلال می کنیم نه آنچه که هست چون وقتی ماهیت واقعی بودن فهمیده شود تحلیل این عملکردها یا این شکل بودن که از حقیقت به واقعیت می رسد تحت نظام هوشمند هستی ، برای ما هم آسانتر است و هم درک و دریافتی درست است .

کل هستی یک اتفاق است یعنی کل عملکرد زندگی تحت پوشش یک شعور در جریان است . حالا ما میخواهیم خود را تعریف کنیم محدوده اختیار و عمل خود . خود یک عاملی است که تمام مقدار یک شکل انسانی است یعنی عملکرد هماهنگ تمام مقدار وجودی فرد انسانی جاری در این سیستم یا فضا .

این مقدار داده ای خود سواى هر چیزی یا هر تحلیل اضافه پیرامون بودن او ، رشد می کند و وارد زندگی یا این فضا میشود یعنی مسیر تعریف شده ای که فضای هستی به او می دهد یا عین اوست . و در طول زندگی مسیر و داستان و اتفاق های متفاوت دارد به شکل داده های این فضا . از آن جهت که طبق تعریف ما فضای بین صفر و یک او را زندگی می دهد یک هوش یا شعور یا پس منطق و تحلیل مقدار خود بر اساس فضای صفر و یک ، تحلیلی است استاندارد و درست .

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

در این تحلیل مقدار خود همان هویت اوست که مجموعه ای تمام از اعمال حیاتی فضای صفر و یک در او جریان می یابد و چون این خود یک مقدار در این دامنه تعریف شده است لذا هر گونه عملکرد او هم از این فضا دریافت شده یا خود به هر نحوی از این فضا اینگونه استفاده برده است.

مفهوم فضای صفر و یک مفهوم بی هویتی نیست مفهومی معنا دار است . مقدار یک داده ، مثلا خود انسانی فضای هستی که باید عملکرد و به اصطلاح رفتارش درست و عین عملکرد فضای صفر و یک شود . اینکه ما بگوییم که چون تمام عملکرد بودن در فضای تعریف شده صفر و یک است ، پس همه چیز کنترل شده در جریان است و مقدار خود خنثی در این سیر در جریان است ، این برداشت غلط است چون مشخصات هر داده ای در این فضا ، یک مقدار مشخص است . یعنی هر داده ای مختصاتی منحصر دارد که بر اساس آن تعریف می شود . و داده ها هم همان عملکردها و رفتار هایمان هستند .

اگر بدانیم و بفهمیم که سیستم جاری زندگی از چنین فضایی تشکیل شده و مقدار وجودی یا جایگاه خود در این فضا را بدانیم و اینکه چگونه این نوع داده ها از فضای صفر و یک ، زندگی یا بودن دریافت می کنند . داده یا مقدار مورد نظر خود انسانی است . اینکه این خود چگونه در این فضای گسترده داده ها برای خود چیزی به نام زندگی پیدا کند و با مقدار زندگی که باز هم از داده های فضای صفر و یک است چگونه برخورد کند و این تبادل داده ها در نوع های متفاوت تحت فضای هوشمند شکل می گیرند و روندی از تبادل داده ها در فضایی هوشمند به نام صفر و یک را به وجود می آورند . چیزی شبیه زندگی جاری که ما انجام می دهیم .

زندگی موجود انسانی ما باید به گونه ای باشد که شکل درست فضای هستی خراب نشود و عضوی سالم و درست این فضای هستی بشویم . یعنی چیزی غیر از خود نشویم . یا به عبارتی درست شکل بگیریم در این نظام گسترده داده ها ، داده ما که همان مقدار و مختصات ماست در سیستم درست جریان پیدا کند .

در زندگی امروزی بیشتر افراد ناموفق یا نا امید و ناراضی هستند تا اشخاصی راضی و خوشبخت . ولی در آرزوی خوشبختی هستیم . یعنی مقدار داده هایی در وجودمان هست که زندگی برتر را می خواهد ولی به آن اهمیتی داده نمیشود یا توسط سیستم داده های درونی خودمان پذیرش نمی شود . شاید به تعریفی زندگی کردن درست را بلد نیستیم یا به هر سببی که باعث شده افکار یا داده هایی در ما پرورش یابد و اصولی نادرست را بر زندگی های ما حاکم کرده ، که نتیجه آن خلق افرادی سرخورده و به طریقی بازمانده یا درگیر توهمات و یا افکاری شده ایم ابعاد وجودی آسیب دیده ای داریم از بودنی ایده آل دور شده ایم و این باعث شده فضای زندگی یا همان فضای صفر و یک را تخریب کنیم و ندانسته در چنین محیطی خود ساخته گرفتار مانده باشیم .

طبق قانون این فضای هستی شدن و به دست آوردن زندگی درست یا فهمیدن آن می طلبد که ما تغییراتی در خود ایجاد کنیم و اصولی که گفته شده را در رفتار یا بروز دادن خود نشان دهیم . فضای صفر و یک را بپذیریم و بودن طبق آن را یاد بگیریم . اگر بخواهیم عامیانه تر این فضا را شرح دهیم یعنی به جای احترام به انسان به انسانیت یا به سیستم یا شعور حاکم بر زندگی احترام بگذاریم ، اهمیت بدهیم و بپذیریم . این ارزش قائل شدن برای سیستم ، فردی تابع سیستم می سازد ، فردی درست . باید بدانیم هر علمی یا آگاهی برای یادگیری بهتر زندگی است . تابع سیستم بودن یا موجود سیستم بودن به معنای درست بودن است . در این فضا اجباری وجود ندارد یا اینکه سیستمی باشد که بدون به جریان انداختن یا استفاده درست از داده های وجودی فرد درست شکل بگیرد ، ما اگر نادرست از داده هایمان استفاده کنیم شکلی غلط می گیریم و اگر درست استفاده کنیم شکلی درست یعنی سیستم به ما نتیجه و بازده رفتاری می دهد اینگونه است که باید استفاده از خود را یاد گرفت و اگر نه ناخودآگاه در فضای تعریف شده در قالب یک زندگی اشتباه به جریان می افتمیم . ضرورت داشتن و کسب دانش زندگی در این محیط اهمیت اصلی را دارد و این کسب دانش زندگی به تلاش و استفاده درست از داده های سیستم که هم خود و هم فضای صفر و یک تعریف شده را شامل می شود ، بستگی دارد .

در دامنه فکری فضای صفر و یک ، مقدار هویت انسانی در نوسان است یا به گونه ای است که برای در مسیر ماندن باید تلاش کند ، یاد دیگری از این رو است که ما برای چنین خودی به آگاهی رسیدن تعریف می کنیم یعنی ما شکل انسان کامل این فضا را داریم و اینکه چه اندازه شکلی از بودن که ما انتخاب کرده ایم عین این انسان ایده آل فضای صفر و یک است . و با تلاش و رشد باید خود را به این خود ایده آل فضا برسانیم . ما داده های درست یک انسان کامل را از این فضا می گیریم حالت یا نوع بودنی که ما باید عین آن باشیم . و آنچه که باعث میشود ما این داده یا مقدار یا انسان استاندارد و ایده آل این فضا نشویم غافل ماندن از موجودیت خود و استفاده نادرست یا بکار بردن غلط داده های وجودی بوده است

وقتی مقدار منحصر خود به این آگاهی رسید که چگونه هویت خود را از این فضا بگیرد یا شکل درست بودنش که در این محیط یا دامنه وجود دارد پس نوع کنش و رفتارهای او برای رسیدن به این ایده آل انسانی هم در اختیار او قرار می گیرد، در این حالت شکل درست خود جهت پیدا می کند یعنی مسیر رسیدن به تکامل یا عین موجود فضای صفر و یک شدن را یاد می گیرد.

ما هم تعریف این فضا را کردیم و هم تعریف موجود جاری در آن و اینکه راه دریافت آگاهی یا اطلاعات یا به فهم رسیدن ، کسب آگاهی از این منبع است . با روشی مدرن و کامل به کسب آگاهی برسیم و بودن درست را یاد بگیریم .

در سیستم جاری که ما آن را انتخاب کرده ایم یا بر اساس آن زندگی می کنیم برای به دست آوردن مهارت زندگی به هرطریقی عمل می کنیم یا فن و مهارتی را یاد می گیریم طبق اصول جاری آموزش آن ، این مفهوم که ما از عملکرد انسان این سیستم می گوئیم تمام ابعاد را شامل می شود فقط مقوله رفتاری نیست ، بحث مهارت کامل زندگی و بودن است . یعنی تمام عملکرد سیستم انسانی در این پوشش و فضا هست و ما مثلا نباید تفکیکی از عملکردها انجام بدهیم مثلا برخورد با مریضی ، برخورد با جامعه ، مطالعه ، تغذیه ، ورزش ، مرگ ، ارتباطات اجتماعی ، مفاهیم دینی و اخلاقی همه در این فضا تعریف شده اند همه یک مقدار و داده هستند بحث این است یک عینیت یا فضای صفر و یک غالب و تمام و تعریف شده مقادیر داده های این فضا را بیان می کند یا هویت می دهد . با درک فضای ذکر شده درک تمامی این داده ها میسر می شود . ذکر کردن و تعریف و توضیح دادن در باره ماهیت فضای صفر و یک و خود جاری در آن ما را می طلبد که طبق اصول سیستم زندگی کنیم .

فرد حال حاضر این سیستم یا این شکل زندگی جاری ، باید داده ها و مقادیر سیستم این فضا برای او معین شود و توضیح داده شود به عبارتی روند و چگونگی عملکرد این فضا برای او تشریح شود . پس ما باید مفاهیم اصلی و کلیدی که راه گشای بن بست های فکری یا انحرافات رفتاری یا بیهوده گی یا هر نوع نادرستی رفتاری میشود را یاد بگیریم و فهم و آگاهی در اختیار کاربر این دامنه فضای هستی قرار دهیم تا طبق آن عمل کند زندگی کند . و مقدار واقعی خود را دریابد و به ایده آل و خوشبختی و موفقیت خود که همان دریافت درست داده های فضای هستی و به کار بردن آنهاست ، برسد .

بیشتر امورات حیاتی ما و عکس العمل ما در قبال آنها ، انتخابی بدون تفکر است و اینکه چرا فرد می تواند غلط انتخاب کند این است که او باید بپذیرد که داشتن انتخاب یا زندگی بهتر باید از خود او شروع شود باید او عین این موجود هستی شود خوشبختی عملکرد همسوی او با فضای صفر و یک است اگر بد عمل کند از سیستم بازده و جواب بد یا همسطح با داده خود می گیرد و چون در این فضای هوشمند باید موجودات آن عین شکل درست باشند تا شکل این فضا درست باشد یا تا از داده های این فضای هستی درست بهره مند شوند. پس موفقیت یا خوشبختی یا درست بودن ، بکار بردن یا استفاده درست از این فضا است و عکس العمل فضا به چنین کسی چیزی به نام موفقیت یا خوشبختی است .

توضیح دادیم که در این سیستم یک انسان کامل ایده آل تعریف شده وجود دارد و هدف رساندن یا عین این انسان کامل شدن است و اینکه چه موقع چنین فردی شده ایم ، وقتی است که ما موجودیت آزاد یا عکس العمل های حیاتی آزاد داشته باشیم یا به عبارتی آنچه را

که باید انجام دهیم ، انجام دهیم یا عین شکل درست بودن باشیم . و باید برای رسیدن این منظور راههای درونی کسب آگاهی و فهم را در درون خود یاد بگیریم . ما یک حرکت یک انرژی هستیم باید این بودن و انرژی حیاتی را به جریان بیاندازیم یعنی ما آنچه که باید در اختیار داشته باشیم داریم با انعطاف درونی یا پویا و فعال زندگی کردن می توانیم شکل انرژی بودن را به درستی جریان دهیم ما دیدنی هستیم که باید به تماشا برسد . شعور و آگاهی جاری است استفاده همزمان و منظم از داده هاست پس ما باید داده های وجودی انسانی را در این فضا به درستی به کار بگیریم . پس معلوم شد که ما عوامل بهتر زیستن را در اختیار داریم باید استفاده درست را یاد بگیریم . ذهن و هویت این فضای هستی جاری را با تفکر و خواستن به سوی خود جذب کنیم . جواب سوالات و تضادها ی فکری و روانی همچنان که گفته شود هدایت انرژی بودن به مسیر درست و در نتیجه حذف این تضادها و نارسایی های فکری و ذهنی است . که تمام این نارسایی ها به عنوان داده یا مقادیر در این دامنه تعریف شده اند همسو نشدن با خود سیستم یا فضای صفر و یک این ناهماهنگی یا نادرستی های رفتاری را به وجود آورده است .

ما نمی توانیم تمام شکل جاری یا تصورات یا دیدن ها را نقد و تحلیل کنیم . به نتیجه برسانیم ولی وقتی فهمیدیم که تمام این جریانها بودن این فضا از یک عینیت جاری می شوند و ما مفهوم این عینیت یا فضای غالب را درک کردیم لذا درک تمامی این زیر شاخه ها یا این محصولات چیزی بدیهی است .

تمام آنچه ما داریم یا به عبارتی زندگی ما است شکل گرفته یا محصول عملکرد ما در این فضا است پس ساده است که بفهمیم ما این شکل بودن را خلق کرده ایم همچنانکه توضیح داده شده ، چیزی هایی است که از این سیستم گرفته ایم و برای ارتقا و تغییر آن در تمام سطوح باید یادگیری و استفاده درست از این سیستم را یاد بگیریم که آن هم لازمه نگرش و تفکر و خواستن ما است .

بحث و نتیجه گیری

هدف دادن دانشی است که به ما می گوید راه جواب تمام دادن به خود در معنای کامل آن زندگی کردن آگاهانه است و تنها منبع ما برای این کسب آگاهی باید خود زندگی باشد . آگاهی و دانش در جریان است در یک فضای هوشمند و وسیع و زندگی بخش که از آن به نام فضای صفر و یک نام می بریم ما با انتخاب هایمان آنچه می خواهیم از این فضای بزرگ شعوری به دست می آوریم . بدیهی است که ما و فضای صفر و یک در یک تبادله آگاهانه و همسو زندگی را تعریف و به جریان بیاندازیم .